

## یدالله قربعلی

تجربه سال‌ها تدریس بریل

سید رضا حسینی امین<sup>۱</sup>

معلمان با سابقه دیده بودم ولی استفاده از ساده‌ترین چیزها یکی از ملاک‌های من بود. مثلاً برای شناخت نقطه‌ها از بسته‌های قرص که به صورت شش تایی درآورده بودم استفاده می‌کردم یا از دکمه‌هایی که بر روی پارچه به شکل نقاط بریل می‌دوختم استفاده می‌کردم.

در تابستان ۱۳۶۱ (که تازه سوم دبیرستان را تمام کرده بودم) برای شناسایی و آموزش نابینایان استان ایلام، به مدت یک ماه و به طور افتخاری به آن استان رفتم. در آن جا چند نابینای بزرگ سال را شناسایی کردم و آموزش خط بریل را برای آنان نیز با همان ابتکارات آغاز نمودم. به موازات همین کلاس تعدادی از کارمندان بهزیستی استان را برای آموزش خط بریل به من معرفی کردند. آنان نیز با طرح ویژه‌ای تحت آموزش قرار گرفتند. من در این خصوص تابلویی بینایی فراهم آوردم که پس از معرفی شش نقطه بریل جدول الفبای بریل را به صورت بینایی در آن آوردم و داوطلبان را با سرعتی بسیار آموزش می‌دادم. البته افراد بینا پیش از آموزش خط بریل باید نسبت به محدودیت‌های عزیزان نابینا اشراف داشته باشند تا در فراگیری و نیز آموزش موفق باشند. کار من نیز پس از این آماده سازی ذهنی آموزش خط بود.

در سال ۱۳۶۲ آموزش جانبازان نجف آباد را آغاز کردم. افراد بزرگ سال در آموزش بریل نسبت به خردسالان بسیار کندترند. من سعی می‌کردم با نمونه‌های عینی و نیز تهیه وسایل کمک آموزشی ساده ذهن آنان را برای این کار آماده نمایم، لامسه آنان را تقویت کنم و پس از آن وارد آموزش بریل شوم.

در مهرماه ۱۳۶۲ نخستین تجربه‌ام را با کودکان نابینا در آموزشگاه استثنایی نجف آباد آغاز کردم. برای آموزش بچه‌ها خیلی فکر می‌کردم، گاهی راه می‌افتادم و در مغازه‌های اسباب بازی فروشی دنبال اسباب بازی‌هایی می‌گشتم که بتواند مرا در این کار یاری دهد، چرا که کودکان کمتر با وسایل جدی رغبت به کار داشتند. تفاوت اساسی بزرگ سالان با خردسالان در این بود که به دلیل درک بالای بزرگسالان توضیح مطالب آسان‌تر بود، اما خردسالان در تقویت لامسه مشکلات بسیار کمی داشتند. کلاس آمادگی نابینایان را با شش دانش آموز آغاز کردم و از اسباب بازی، وسایل دست‌ساز، خمیر، موم، حبوبات، پارچه، دکمه، و... برای تقویت لامسه و آموزش بهره می‌گرفتم.

آموزش خط بریل به افراد بینا در مدارس عادی، دانشگاه‌ها، نمایشگاه‌های ویژه و... یکی دیگر از فعالیت‌های من بود که هنوز هم ادامه دارد. آموزش بریل به دانش آموزان دیر نابینا، بزرگسالان، دانش آموزان معمولی، از تجربیاتی است که کارنامه خدمات آموزشی من بدان مزین است.

یدالله قربعلی نجف آبادی در اردیبهشت ۱۳۴۲ در یک خانواده ضعیف و کارگری در شهرستان نجف آباد دیده به جهان گشود. او از همان کودکی با مشکل ضعف بینایی بر اثر آب سیاه مواجه بود. این بیماری و معالجه نادرست و عدم شناخت آن او را در ده سالگی از نعمت بینایی به کلی محروم کرد.

از سال ۱۳۵۲ به آموزشگاه نابینایان ابابصیر اصفهان رفت و دوره ابتدایی را در آن جا گذراند و سپس برای ادامه تحصیل به یکی از مدارس عادی راهنمایی شهر اصفهان رفت. دوره متوسطه را در اصفهان آغاز کرد ولی از سال سوم دبیرستان به زادگاهش بازگشت و تا پایان تحصیلات متوسطه در رشته اقتصاد در آن جا ماند. در سال ۱۳۶۲ در رشته ادبیات دانشگاه اصفهان پذیرفته شد. همزمان به عنوان معلم حق التدریس در شهرستان نجف آباد نخستین کلاس ویژه نابینایان را راه اندازی نمود. سال بعد به استخدام رسمی آموزش و پرورش در آمد. در سال ۱۳۷۰ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد در رشته کارشناسی ارشد ادامه تحصیل داد.

او علاوه بر تدریس در آموزشگاه‌های نابینایی در مدارس عادی به تدریس ادبیات پرداخت. در کنار این فعالیت‌ها آموزش به جانبازان نابینای نجف آباد را نیز به عهده داشت. در سال ۱۳۸۷ به عنوان معلم نمونه کشوری برگزیده شد.

او علاوه بر آموزش نابینایان در خصوص آموزش خط بریل و کوتاه نویسی انگلیسی و فارسی فعالیت‌هایی داشت. در خصوص کوتاه نویسی انگلیسی کتاب آموزش کوتاه نویسی انگلیسی را به صورت خود آموز برای نوآموزان زبان انگلیسی تألیف نمود.

از دیگر فعالیت‌های او سرودن شعر است که با زبانی شیوا و تصویرسازی‌های خلاق شعرش را رونق و تحرک بخشیده است. در خصوص دو مقوله آموزش خط بریل فارسی و انگلیسی پاره‌ای از تجربیاتش را می‌خوانیم:

اولین باری که این جانب به فکر آموزش خط بریل افتادم در دوره متوسطه بود. وقتی کلاس سوم دبیرستان بودم شخص نابینایی به من مراجعه کرد تا از من بریل بیاموزد. چون تجربه اولم بود برای توفیق در آن مدتی اندیشیدم تا روشی جذاب و سریع را به کار برم. این دقت مرا واداشت تا در آن زمان هم در خصوص تقویت لامسه آن فرد ابتکاراتی داشته باشم و هم در خصوص نحوه کار و چگونگی آشنایی فرد با قالب خط بریل. گرچه پاره‌ای از آنچه من به کار بردم در آموزشگاه ابابصیر از

۱. آقای یدالله قربعلی به درخواست مجله توان نامه گزارشی از زندگی و تجارب خود در زمینه خط بریل را تدوین و ارسال نمود و این مقاله براساس نوشته آقای قربعلی تدوین شد.



و نیز نحوه کاربرد آن بیان گردیده است.

ب- بخش دوم نمونه‌هایی از متن است که به هر دو صورت کوتاه و بلند آورده شده است، هدف مقایسه و به ذهن سپردن بهتر این نشانه‌ها بوده است.

پ- بخش سوم تمرین کوتاه نویسی است، نوآموز با توجه به آموخته‌های خود در دو بخش پیشین سعی می‌کند عبارات و متن‌های ارائه شده را به صورت کوتاه بنویسد.

د- در چهارمین بخش هر درس عبارات و متن‌هایی به طور کوتاه آورده شده است، نوآموز باید با استفاده از آموخته‌های خود، آن را به صورت بلند بنویسد.

درس‌ها به صورت پلکانی به هم مربوط می‌شوند و فراگیری درس بعد بدون یادگیری درس قبل نتیجه مطلوبی ندارد.

در درس نهم نیز فقط تمرین خواندن کوتاه نویسی است. متن‌هایی از کتاب انگلیسی سوم راهنمایی، به صورت کوتاه نوشته شده است، فراگیر باید با استفاده از علائم و نشانه‌ها این متن‌ها را به دقت بخواند و به طور بلند بنویسد. پیوست پایانی کتاب، جدولی شامل سه ستون است.

ستون اول عبارت یا واژه‌ای است که قرار است کوتاه شده آن معرفی گردد. ستون دوم شکل کوتاه عبارت یا واژه ستون یک است. در ستون سوم معنی واژه‌های مستقل آمده است. در این ستون در برابر نیمواژه‌هایی که دارای معنای مستقل نیستند، محل کاربرد آن در واژه آمده است. برای مشخص شدن توضیح نیمواژه‌ها توضیح مربوطه در پرانتز آورده شده است.

از پر افتخارترین دوران کاری خود می‌توانم آموزش جانبازان نابینای سرفراز را یاد کنم. وقتی انسان با کسانی انس می‌گیرد که جانشان از شمیم شهادت طراوت گرفته است و گرچه در بین ما زندگی می‌کنند جانشان در اندیشه‌ای دیگر است، انسان واقعاً مشعوف و دل‌باخته می‌شود. به جاست یاد پولاد اراده‌ای را زنده کنم که هم نابینا بود و هم قطع نخاع. اراده‌ای داشت برتر از دماوند و استوارتر از البرز. وسعت نظرش را دریا اندک می‌نمود و پارسایی و تواضعش همه را خیره می‌داشت. او جانباز سرافراز حاج ناصر توبه‌ایها که عاقبت این دنیای تنگ را برای رسیدن به وسعت جهانی در خور روح بلندش، به دنیا خواهان وانهاد و به خیل شهیدان پیوست.

من اعتقاد دارم هر گروهی هویت خود را با نمادی ثابت می‌کند و نماد هویت نابینایان دو چیز است، عصای سفید و خط بریل. از این طریق باید نابینایان شناخته شوند و همواره بتوانند این دو نماد هویت را در همه عرصه‌ها به کار برند. کسانی که گمان می‌کنند کتاب‌های گویا می‌تواند جای کتاب بریل را بگیرد سخت در اشتباه‌اند. هرگز نباید خط و تأثیر و هویت بخشی آن را از یاد برد.

از سال ۱۳۶۳ تا سال ۱۳۶۶ در یک گروه کاری کشوری برای تدوین کوتاه نویسی فارسی کار کردم. گرچه در این خصوص نیز به نتایج بسیار خوبی رسیدیم، اما چون هنوز فضای مناسبی در کشور برای این کار فراهم نشده بود، این طرح به سرانجام درستی نرسید. گرچه بعدها افرادی با الگو قرار دادن آن تلاشها و تجربیات اقدام به تدوین طرحی دیگر نمودند، اما آن نیز نتوانست برای اجرا توفیق یابد.

اما در سال ۱۳۶۷ در آموزشگاه ابابصیر تدریس زبان انگلیسی دوره راهنمایی را بر عهده داشتم. در پایه سوم راهنمایی به فکر افتادم که این بچه‌ها سال دیگر باید به دبیرستان بروند، کتاب انگلیسی شان نیز کوتاه است. کلاسی هم در این خصوص برایشان گذاشته نمی‌شود، لذا به طور ساده پاره‌ای از علائم را به آنان در فرصت‌های خالی کلاس زبان به عنوان یک کار فوق برنامه می‌آموختم و سعی می‌کردم با تمرین و یافتن نمونه در واژگان و یا جملات متفاوت، حداقل دانش آموزان را با این شیوه کمی آشنا کنم. در اوایل دهه ۷۰ علائم را به طور دسته بندی و همراه با مثال برای آنان شروع کردم و چون نتیجه بسیار خوبی گرفتم، آن را گسترش دادم تا این که کتاب آموزش کوتاه نویسی انگلیسی از جمع آوری تمرین‌ها دسته‌بندی‌ها و تجربیات چندین ساله حاصل شد.

کتاب دارای ۹ درس و یک مقدمه و یک پیوست است. در مقدمه ضرورت آموزش کوتاه نویسی و فواید آن بیان شده است. نحوه آموزش و زمان بندی کتاب نیز تشریح شده است. در درس اول علائم نشانه گذاری به طور مختصر توضیح داده شده است. از درس دوم آموزش نشانه‌ها آغاز گردیده است. هر درس شامل ۴ بخش است:

الف- معرفی نشانه‌ها، در این بخش تعدادی از نشانه‌ها معرفی